خبر

رئیس صنعت، معدن و تجارت گلستان:

پول اشتغال ایجاد نمی کند

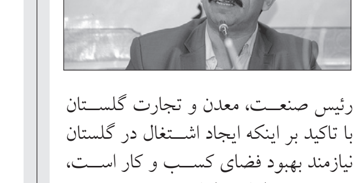

رئیس صنعت، معدن و تجارت گلستان با تاکید بر اینکه ایجاد اشتغال در گلستان نیازمند بهبود فضای کسب و کار است، تاکید کرد: پول اشتغال ایجاد نمی کند و باید برخی از نگاه ها به حوزه تولید و اشتغال در استان حل شود.رئیس صنعت، معدن و تجارت استان گلستان بیان کرد: از تولید کنندگان انتظار داریم در حوزه اشتغال پویاتر و فعال تر عمل کرده و اشتغال بیشتری در استان ایجاد کنند اما دستگاه خدماتی در روزهای گذشته چهار واحد تولیدی و صنعتی گلستان را به دلیل بدهی های اندک تعطیل می کنند.

رئیس صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت : سال گذشته ۵۰ واحد صنعتی استان که راکد بودند مجدد فعال شده اند و از تعطیلی ۱۰ واحد صنعتی خبر داد.حسینقلی قوانلو عصر پنج شنبه در چهارمین جلسه کارگروه اشتغال استان گلستان اظهار کرد: برخی اعلام می کنند در سال گذشته دو هزار و ۳۰۰ واحد صنفی و بنگاه اقتصادی در گلستان تعطیل شده است که این موضوع صحت ندارد.وی با بیان اینکه سال گذشته مجوز ۷۰۰ واحد صنفی گلستان ابطال شد، افزود: امسال به ۶ هزار و ۵۰۰ واحد صنفی جدید در گلستان مجوز داده ایم.رئیس صنعت، معدن و تجارت استان گلستان ادامه داد: از مجموع یک هزار و ۳۰۰ واحد صنعتی گلستان در سال گذشته تنها ۱۰ واحد تعطیل شد در حالی که ۵۰ واحد صنعتی راکد و غیر فعال مجدد فعالیت خود را آغاز کردند.وی اضافه کرد: اگر سامانه رصد مبنای محاسبه اشتغال ایجاد شده در استان است این سامانه مشکل دارد و باید سامانه به روز و آسان تری برای ثبت اطلاعات پیش بینی و طراحی شود.قوانلو با یادآوری اینکه سهم اشتغال صنعت، معدن و تجارت گلستان از ایجاد اشتغال امسال پنج هزار و ۷۰۰ شغل است، گفت: از ابتدای سال تاکنون چهار هزار و ۷۰۰ شغل در این حوزه ایجاد شده اما نتوانسته ایم اطلاعات خیلی از این واحدهای تولیدی و صنعتی را در سامانه رصد ثبت کنیم.

نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس:

۲۳۰۰ واحد صنفی گلستان در سال گذشته تعطیل شدند

نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی از تعطیل شدن دو هزار و ۳۰۰ بنگاه اقتصادی و واحد صنفی گلستان در سال گذشته خبر داد.به گزارش خبرنگار مهر، نبی هزارجریبی عصر پنج شنبه در چهارمین جلسه کارگروه اشتغال استان گلستان اظهار کرد: برای اینکه بتوانیم استان گلستان را به توسعه برسانیم ابتدا باید معضل بیکاری جوانان تحصیل کرده را حل کنیم.وی افزود: براساس آمار سازمان تامین اجتماعی کشور در سال ۹۵ بیش از دو هزار و ۳۰۰ بنگاه اقتصادی و واحد صنفی تعطیل شده اند در شرایطی که عملکرد برخی از استان از جمله استان مرکزی در این حوزه مثبت بوده است.وی از اشتغال به عنوان مهم ترین موضوع کشور نام برد و گفت: هم اکنون مهم ترین معضل حوزه انتخابیه بنده بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی است که در آن حرفی برای گفتن نداریم و شرمنده مردم هستیم.وی افزود: در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری امور به بخش خصوصی درست عمل نمی شود و رانت هایی به وجود می آید که هیچ بخش خصوصی نمی تواند در برابر این رانت های اقتصادی دولتی مقاومت کند.هزارجریبی با بیان اینکه نیازسنجی کالاهای تولیدی در کشور ضعیف است و مجوزهای زیادی در بخش های مختلف صادر می شود، ادامه داد: عدم نیازسنجی کالاهای تولیدی در کشور، طولانی بودن زمان استعلامات و صدور مجوزها، واردات کالاهای مشابه بخشی از مشکلات تولید در سطح ملی است که باید برطرف شود.نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی سهم گمرک گلستان را از صادرات و واردات کشور اندک دانست و تصریح کرد: کالاهای بارگیری شده از اکتائو و عشق آباد به علت نداشتن باراندازها و انبارهای بزرگ در گمرک اینچه برون در تهران ترخیص می شود و بهره ای برای گلستان در حوزه صادرات و واردات ندارد..

نرخ بیکاری و مشارکت در گلستان کاهش یافت

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از کاهش نرخ مشارکت و نرخ بیکاری در تابستان امسال نسبت به فصل بهار خبر داد. سعید مازندرانی ظهر پنج شنبه در چهارمین جلسه کارگروه اشتغال استان گلستان اظهار کرد: مطابق آخرین ارزیابی مرکز آمار نرخ مشارکت و بیکاری در گلستان کاهش یافته و نرخ مشارکت از ۳۹.۶ به ۳۷ درصد و نرخ بیکاری از ۱۳.۶ درصد به ۱۱.۹ درصد رسید.وی با یادآوری اینکه میانگین نرخ بیکاری کشور ۱۱.۷ درصد است، افزود: این یک آلارم است و نشان می دهد فعالیت های انجام شده در اشتغال گلستان تاثیرگذار بوده است.مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان همچنین به همیه اشتغال استان در برنامه امسال اشاره و اضافه کرد: با توجه به اینکه امسال سال اقتصاد مقاومتی اشتغال و تولید نامگذاری شده و دولت هم توجه ویژه ای برای ایجاد اشتغال دارد ایجاد ۹۷۱ هزار شغل در برنامه دیده شده است.وی ادامه داد: این اشتغال از طریق فراگیر و کاروزی و روستایی انجام می شود و سهم گلستان از این میزان اشتغال ۱۹ هزار و ۴۰۰ شغل است.مازندرانی خاطرنشان کرد: این حداقل سهم در نظر گرفته شده برای گلستان است و این سهم قابلیت رسیدن به ۲۵ تا ۳۰ هزار شغل را دارد.وی با بیان اینکه طرح های گلستان در تثبیت و کاهش نرخ بیکاری در تابستان موثر بوده و امیدواریم در پاییز ادامه داشته باشد، ادامه داد: اگر عملکرد ما اطلاعات ثبت شده در سامانه رصد باشد تاکنون ۳ هزار و ۶۳۵ شغل در گلستان ایجاد و در سامانه ثبت شده است.

۵ هزار شغل ایجاد شد

وی با بیان اینکه این رقم حدود ۲۰ درصد از سهم اشتغال ۱۹ هزار و ۴۰۰ نفری را شامل می شود، گفت: ما معتقدیم تاکنون بیش از ۵ هزار شغل در گلستان ایجاد شده است.مازندرانی با بیان اینکه سهم گلستان از طرح کاروزی چهار هزار و ۳۲۰ شغل است و تاکنون ۱۰۶ کاروزر را بـه کارفرماها معرفی کرده ایم، افزود: تاکنون حدود دو درصد از این طرح در گلستان اجرایی شده اما ما از استان ها پیشتاز در این حوزه نسبت به سایر استان ها هستیم.وی با بیان اینکه تاکنون ۱۱ هزار کاروزر در سامانه ثبت نام کردند، ادامه داد: در گلستان ۷۷۵ کارفرما متقاضی جذب کاروزر هستند.وی اضافه کرد: در اشتغال خانگی ۱۹ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان تسهیلات در نظر گرفته شده و تاکنون به ۸۱ نفر مجوز داده ام و ۹۵ طرح معرفی شده اند و همچنین ۷۱ نفر هم تسهیلات دریافت کرده اند.

خشکی گریبانگیر تالاب های گلستان شد

خشکی گریبانگیر تالاب های گلستان شده و کارشناسان اجرای طرح مدیریت زیست بومی تالاب ها را راهکار نجات می دانند، طرحی که پس از گذشت یکسال هنوز چشم انتظار تصویب در شورای برنامه ریزی است.

زهرا بهرامی:آلماگل، آجی گل و گمیشان جزو تالاب های بین المللی استان گلستان هستند که در سال های اخیر به ویژه در تابستان گذشته به دلیل شرایط اقلیمی حاکم در منطقه و خشکسالی تا مرز بحران خشکی پیش رفته و وسعت آن ها به شدت کاهش یافته است.

مجموعه تالاب های شمال استان (آلا گل با مساحت دو هزار و ۵۰۰ هکتار بزرگ ترین تالاب این مجموعه و آلماگل با مساحت ۲۰۷ هکتار کوچک ترین تالاب و آجی گل با مساحت ۳۲۰ هکتار) جزو تالاب‌های بین المللی و درون خشکی محسوب می‌شوند که به عنوان چهل و نهمین تالاب های اضافه شده به فهرست تالاب های مهم بین المللی (فهرست رامسر) در تاریخ دوم تیر ۱۳۵۴ در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده اند.

تالاب بین المللی گمیشان هم با ۲۰ هزار هکتار وسعت در شمال غربی استان گلستان واقع شده و در فهرست تالاب های ساحلی کشور قرار دارد.

۱۲ مهرماه امسال معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست کشور که برای شرکت در آیین معارفه مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان به استان سفر کرده بود در جمع خبرنگاران از خشک شدن ۸۰ درصد تالاب های کشور خبر داد.

حمید ظهرابی با بیان اینکه در مناطق خشک و نیمه خشک کشور تالاب ها در شرایط بحرانی هستند، احیاء تالاب ها و مدیریت منابع آب را یکی از اولویت های سازمان حفاظت محیط زیست دانست.

تالاب ساحلی گمیشان هم آب ندارد

وضعیت تالاب های استان گلستان را از مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان جویا شدیم و امیر عبدوس در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: تالاب های بین المللی استان گلستان هم به همان وضعیت تالاب های داخلی مبتلا هستند و حتی تالاب های ساحلی دریای خزر هم میانکاله و هم گمیشان به دلیل عقب نشینی آب دریا با کم آبی مواجه اند.وی افزود: میانکاله کم آب شده و گمیشان هم کاملا خشک است و بستر تالاب گمیشان آبی ندارد.

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان گفت: با این شرایط کارشناسانی که مطالعات دریای خزر را انجام می دهند و همکاران ما در سازمان حفاظت محیط زیست معتقدند آب دریای خزر امسال ۱۱ سانت بالا آمده است و دوره پایین رفتن آب طی شده است.

وی با با بیان اینکه امیدواریم این گمانه زنی ها صحت داشته باشد و مجدد باعث احیاء تالاب های ساحلی استان بشود، ادامه داد: مجموعه تالاب های آلاگل، آلماگل و آجی گل که آب آن ها از سد دانشمند تغذیه می شده، آن ها هم به دلایلی که همه استحضار دارند کم آب هستند و کم آبی مثل همه تالاب های داخلی کشور شامل حال آن ها هم می شود.وی بدون اشاره مستقیم و روش به دلایل کم آبی مجموعه تالاب های سه گانه استان، به راهکار نجات کم آبی تالاب های استان اشاره کرد و گفت: تقریبا جواب مسئله روشن است و مدیریت منابع آب راهکار نجات تالاب ها از این معضل است.عبدوس تصریح کرد: عمده مصرف آب در کشور در بخش کشاورزی اتفاق می افتد و به نوعی باید مصارف آب کشاورزی با تغییر الگوی کشت و مدیریت الگوی کشت و تغییر روش های آبیاری اصلاح شود.

سهم محیط زیست از تخصیص منابع آب جدا شود

وی با تاکید بر اینکه سهم محیط زیست از تخصیص منابع آب باید جدا شود و به موقع تخصیص یابد، خاطرنشان کرد: در خصوص تالاب های ساحلی گلستان هم قطعا باید منتظر بالا آمدن آب دریای خزر باشیم وگرنه چاره کار دست ما نیست و با مدیریت منابع آب هم نمی توانیم تالاب ها را احیاء کنیم.مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان بر مدیریت منابع آب و تخصیص به موقع حقابه تالاب ها تاکید دارد و قطعا پاسخ آب منطقه ای گلستان می تواند به روشن شدن این موضوع که حقابه سالانه تالاب ها چقدر است و چه بخشی از آن تخصیص می یابد کمک کند، اما روابط عمومی آب منطقه ای گلستان با استناد به برخی از نامه های محرمانه ارسالی به آن شرکت دادن اطلاعات و اخبار در خصوص آب های مرزی را ممنوع دانست.

اما اردیبهشت ماه سال گذشته پس از دو سال و با برگزاری چهار کارگاه و نشست مشورتی با حضور تمام ذینفعان سه استان (خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان) کار تدوین برنامه مدیریت زیست بوم تالاب های گلستان به پایان رسید.برنامه ای که به نظر می رسید بنا دارد با تغییر نگاه نسبت به گذشته، حفاظت و بهره برداری از تالاب‌های استان را که در غربی ترین محدوده حوضه آبریز اترک در شمال استان گلستان قرار دارند، هم راستا کند.طرحی که در آن هم وضعیت فعلی تالاب های استان دیده شده بود و هم راهکارهای نجات و احیاء تالاب ها از بحران ها که خشکی یکی از آن هاست دیده شده است، از مشاور فنی برنامه مدیریت زیست بومی تالاب‌های استان آخرین وضعیت اجرای این طرح را پرسیدیم و مزدک دربیکی به خبرنگار مهر گفت: طرح مدیریت زیست بوم تالاب ها روشی است که صندوق توسعه سازمان ملل (UNDP) با حمایت مالی دولت ژاپن در ایران انجام می دهد.وی با یادآوری اینکه این طرح چندین سال است در کشور انجام می شود و تا یکی دو سال آینده هم تمدید شده است، افزود: بـرای اجرای طرح حفاظت تالاب های ایران دبیرخانه طرح در کشور و همچنین در استان هایی که دارای تالاب هستند، دبیرخانه استانی فعال است.

مشاور فنی طرح مدیریت زیست بومی تالاب‌های استان یادآور شد: تالاب های سه گانه (آلماگل، آلاگل و آجی گل) جزو مجموعه تالاب هایی در کشور بودند که باید برای آن طرح مدیریت زیست بومی تهیه می شد که از سه سال قبل این کار آغاز شده و به اتمام رسید.

طرح علاف تصویب در استانداری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی

وی با بیان اینکه این طرح چندین ماه (حدود هشت یا ۹ ماه) علاف تصویب در استانداری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان است، ادامه داد: این طرح باید در شورای برنامه ریزی استان مطرح و تصویب شود و طرح خروجی آن در قابل کتاب دو زبانه (انگلیسی و فارسی) منتشر شود.این دکترای محیطزیست و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی اضافه کرد: در این طرح چندین کار انجام می شود که یکی از آن ها طرح جامع مدیریت حوزه آبریز تالاب هاست که طرح آن مصوب شده است.

وی تصریح کرد: چون تالاب های ما در حوزه آبریز اترک هستند و یکی از بحران های اصلی ما که باعث خشک شدگی تالاب ها شده از قبل سدسازی های انجام شده در خراسان شمالی و آوردهای آب اترک است، در تدوین این طرح تمام ذینفعان (سازمان های دولتی و غیر دولتی ومردم محلی) مشارکت داشته اند و این طرح با بحث و تبادل نظر و کارکارشناسی در نهایت تدوین شده است.

عضو هیئت تحریریه نشریه علمی بین‌المللی «مجله توسعه پایدار» کانادا از حضور تمام ذینفعان سه استان در کارگاه مشورتی تدوین طرح مدیریت زیست بومی تالاب های گلستان به عنوان یک حُسن بزرگ نام برد و خاطرنشان کرد: تمام میکانیزم های برنامه ریزی و مدیریت برای حفاظت از تالاب ها در این طرح پیش بینی شده است.

دربیکی با یادآوری اینکه مطالعه پایه تالاب ها و ارزیابی وضعیت تالاب های استان در این طرح به طور تکنیکال و فنی انجام شده است، بیان کرد: اگر این طرح (طرح مدیریت زیست بومی تالاب های گلستان) مصوب شده و به همه دستگاه های اجرایی استان برای اجرا ابلاغ شود می توان امید داشته باشیم از تالاب های گلستان از این وضعیت بحرانی نگوییم بلکه وضعیت نامناسب که در خور تالاب ها نیست نجات می یابند.

وی تاکید کرد: سایر برنامه ها در خصوص تالاب های استان مقطعی و مُسَکِن است و نمی تواند تالاب های ما را نجات دهد ما به طرح مدیریتی جامع نیاز داریم که خوشبختانه تدوین شده و باید هرچه زودتر تصویب و برای اجرا ابلاغ شود.

دربیکی گفت: در این طرح خشکسالی و وضعیت آبی تالاب ها دیده شده، اینکه چه میکانیزم هایی در برنامه باید باشد و چه دستگاه هایی در بحث آب تالاب ها دخیل هستند، مسئولیت با کیست، مطالعه حقابه تالاب هاکه سال گذشته تصویب شده و حداقل نیاز آبی تالاب ها در آن مشخص شدهو ... در این طرح دیده شده است.آنچه مسلم است جلوگیری از بدتر شدن وضعیت موجود تالاب های استان نیاز به ابزار مدیریتی دارد کـه این ابـزار مدیریتی همان طرح مدیریت زیست بومی تالاب هاست که تدوین شده و باید با فوریت به تصویب رسیده و ابلاغ و اجرا شود و به نظر می رسد باید با پیگیری های اداره کل حفاظت محیط زیست و توجه ویژه استانداری و مدیریت و برنامه ریزی گلستان به زودی مصوب شود.

خبر

در همایش تخصصی وایلانت
صدری مدیرعامل شرکت تهویه نیا:

وایلانت یک برند جهانی است

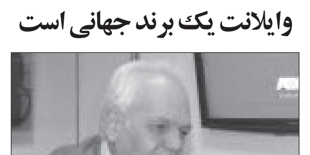

وایلانت یک برند جهانی است و دارای اعتباری بین المللی است مهندس صدری در همایش تخصصی وایلانت با بیان این مطلب درباره ویژگی های برتر پکیج های وایلانت با برخورداری از سیستم های پیشرفته ، با کیفیت گفت این این شرکت مجهز به آخرین فناوری روز وبا بازدهی بالا و ارائه خدمات پس از فروش گامهای مناسب و ارزشمندی را برداشته است مهندس صدری در ادامه به سابقه ۱۴۰ ساله ی این شرکت آلمانی در تولید آبگرمکن و پکیج های آب گرم در سراسر دنیا و حضور ۸۰ ساله در بازار ایران پرداخت و اضافه کرد در طول این مدت دوام و کیفیت محصولات این شرکت به اثبات رسیده و اینک محبوبترین برند در ایران می باشد.

مدیر عامل تهویه نیا یکی از فاکتورهای اصلی صرفه جویی د رمصرف انرژی و جلوگیری از آلودگی آب رااستفاده از انرژی خورشیدی عنوان کرده یاد آور شدند : امکان اتصال این پگیج ها به صفحات خورشیدی موجب می شود نیاز به سوخت گیری گاز در این پکیج ها نباشد. مهندس صدری مدیرعامل شرکت تهویه نیادر بخش دیگری از سخنانشان بر اهمیت توجه به حوزه فرهنگ در مساله مصرف اشاره کردند و بر استفاده از انرژی خورشیدی در جلوگیری از آلودگی تاکید کردند و حرکت در مسیر الگوی مصرف در ایران را وظیفه ی خود و شرکت تهویه نیا و شرکت آلمانی وایلانت دانستند.

مدیر عامل تهویه نیا با تاکید بر لزوم استفاده از انرژی های نو به جای انرژی هـای فسیلی اظهار کرد ایـن مدل پکیج ها در مقایسه با سیستم های گرمایشی مرکزی از استقلال بیشتری برخوردارند.

در ادامه از مدیر عامل شرکت وایلانت دعوت بـه عمل آمد و ایشان پاره ای از دستاوردهای ۱۴۰ ساله ی شرکت وایلانت را به اطلاع حضار رساند.

سپس مهندس نیک پور مدیر فروش وایلانت در شرکت تهویه نیا گزارشی از شرکت نیاو محصولات وایلانت ارائه کردند ،وی درباره ی تاریخچه تهویه نیا در ایران گفت : ۱۵۰ نفراز پرسنل این شرکت که همه آنها متخصص تاسیسات هستند در ۵ـ شعبه در شهرهای مشهد،اهواز،کیش،قشم و چابهار مشغول فعالیت هستند. نیک پور ادامه داد :اجنر ال،گری،هیتاچی،کوکن،اشنایدر،وایلانت ،ویزمن و یازاکی برندهایی هستند که تهویه نیا با آنها فعالیت می کند . ایشان درباره معیار انتخاب ایـن برندها یاد آور شد :شهرت شرکت سازنده-کیفیت محصولات-بهره گیری از فنآوری های نوین در ساخت محصول با راندمان بالا-بهینه سازی مصرف انرژی-حافظ محیط زیست-ساخت دستگاههای هوشمند در سیستم تاسیساتی از مهمترین دلایل انتخاب این برندها دانستند.

ایشان افزودند : بـا توجه به تمام این معیارها وایلانت را به عنوان همکار در سیستم های گرمایشی انتخاب کردیم.

و تاکید کردند :تمام سرویس کاران شرکت نیا در رابطه با نصب و راه اندازی دستگاه های وایلانت در ایران تحت آموزش بوده و با دانش کامل این امر را انجام می دهند.

گفتنی است در آغاز ایـن همایش دکتر جلالی مدیریت شرکت نمانگر برگزارکننده ی نمایشگاه بین المللی وایلانت دلایل و هـدف های برگزاری این همایش را بازگو کـرد و به حضار خیر مقـدم گفت . لازم به ذکر است گـروه وایلانت از ۸ گروه اصلی تشکیل شـده است که در ایران ۳ گـروه مشغـول به فعالیت هستند .این شرکت در ۶۰ کشور دنیا فعالیت می کند دومین کمپانی بزرگ اروپا می باشد و هزار فروشنده متخصص محصولات وایلانت را عرضه می کنندشرکت وایلانت در سال ۱۸۷۴ تاسیس گردیده است و بیش از ۱۴۰ سال سابقه فعالیت دارد و خرگوش که نماد تیزهوشی و زیرکی در حیوانات است نماد شرکت وایلانت می باشد. درباره گردش مالی شرکت وایلانت باید گفت :گردش مالی این شرکت بالغ بر ۲/۴ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷ بوده است این در حالی است که بیش از ۲۵درصد محصولات وایلانت در خارج از اروپابه فروش می رسد.همکاری وایلانت با نیا در سال ۲۰۱۵ شروع شد و با بیش از ۵۰ نماینده فروش در ایـران و آموزش بـه کادر خدماتی در ایران ادامه دارد.کیفیت ، اصلی ترین هدف و آرمان موسسه وایلانت می باشد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۱۱۶۴ فرعی از ۱۲۹ اصلی بخش ۲ ثبت گرگان واقع در اراضی زنگیان به مساحت ۲۶۷،۷۰ مترمربع ملکی خانمها ناهید و فریال و آقایان حسین و حسام فرزندان شاکر و شاکر مسعودیان فرزند محمد همگی مسعودیان ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۶/۸/۲۴ در محل وقوع ملک واقع در گرگان –خیابان مازندران –خیابان چوب بری –کوچه پنجم –پلاک ۸ کدپستی ۴۹۱۹۶۱۶۵۷۵ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آن را ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور –کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان –۷۹۲ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده ، دارای پلاک ۱۱۶۷۸ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۱۱۴،۳۰ مترمربع ملکی آقای مهدی زورآبادی فرزند ارجعلی ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۶/۸/۲۹ در محل وقوع ملک واقع در گرگان –انتهای جرجان ۲۴ –بعد از آخرین چهارراه –کدپستی ۴۹۱۵۹۵۷۶۴۹ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور –کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان –۷۷۷ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسنعلی عرب فرزند محمد به شماره ملی ۴۸۸۰۰۰۴۵۳۷ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت ششدانگ عرصه یکقطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۰۰ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۵۶۴۱۷۸ الف ۹۵ به پلاک ۶۰۲۵۳ فرعی از ۱ –اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل دفتر املاک الکترونیکی ۴۲۸۵ –۱۳۹۶ بنام آقای حسنعلی عرب فرزند محمد به شماره ملی ۴۸۸۰۰۰۴۵۳۷ شماره شناسنامه ۴۸۸۰۰۰۴۵۳۷ ثبت و صادر گردیده، به علت اسباب کشی مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده)روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به ایـن اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی –رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد –۸۴۱۰ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم سکینه یابومحلی فرزند رجب به شماره شناسنامه ۹۱۸ صادره از گرگان با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده به شماره ۲۳۴۱۱ –۹۶/۵/۳۱ توسط دفتراسناد رسمی شماره ۲۲ گرگان طی درخواست وارده شماره ۱۳۲۷۸ –۹۶/۵/۳۱ با اعلام اینکه سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین بمساحت ۳۵۴،۲۰ مترمربع دارای پلاک شماره ۱۱۱۰ فرعی از ۱۷ اصلی قطعه ۱۸۵واقع در بخش سه ثبت گرگان ذیل ثبت ۳۴۹۴۳ صفحه ۳۶۷ دفتر ۲۲۹ املاک بنام متقاضی فوق ثبت و با شماره چاپی ۷۵۵۷۰ صادر و تسلیم گردیده است که سند مذکور سرقت گردیده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۸) مراتب در یک نوبت آگهی می¬شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

محمد اسماعیل پور –کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان –۷۹۱ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای جانعلی ساورعلیا باارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر ۱۱۱گرگان ادعا نموده سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۱۸/۱۴۴۰ الی ۱۲۳ –اصلی بخش ۲ ثبت گرگان که ذیل ثبت ۳۳۲۳ صفحه ۲۴۶ جلد ۱۸ بنام جانعلی ساورعلیا فرزند غلامرضا بشناسنامه ۸۳۴ صادره گرگان کدملی ۲۱۲۰۸۶۶۵۱۱ ثبت و سند دفترچه ای بشماره مسلسل ۲۴۲۳۳۹ صادر شده بود سپس طبق سند ۷۸۹۳۱ –۹۳/۴/۹ دفتر ۱۱۱ گرگان در رهن بانک تجارت قرار گرفته است که طبق اسناد ۸۹۸۴۶ – ۹۴/۱۱/۱۷ و ۹۳۰۹۸ –۹۵/۶/۱۶ دفتر مذکور تمدید مدت گردیده که بعلت جابجائی نامبرده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است از این رو باستناد ماده ۱۲۰ –اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور –کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان –۷۸۷ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای احسان ایمری فرزند عبدالجبار به شماره ملی ۲۰۲۰۴۵۳۶۹۱ با ارائه وکالتنامه ۱۴۱۰۳۴ –۱۳۹۶/۷/۲۴ دفتر ۴ گنبد و دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت مقدار ده سهم مشاع از ۱۰۰ سهم ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ۱۰۰۰۰۰ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۰۷۴۸۲۳ ج ۹۴ به پلاک ۶۷ فرعی از ۷ –اصلی بخش ۱۵ حوزه ثبتی گنبد ذیل دفتر املاک الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۱۲۰۰۴۰۰۴۶۷۵ بنام آقای امین عطا گزلی فرزند کریم قلی به شماره ملی ۲۰۳۰۸۸۴۳۷۵ شماره شناسنامه ۱۱۲۳ ثبت و صادر گردیده و برابر نامه به شماره ۹۵۰۸۷۸ –۱۳۹۵/۸/۱۷ قاضی شعبه اول اجرای احکام مدنی گنبد جهت محکومیت صفر محمد بیکی در قبال مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ میلیون ریال در حق محکوم له بانک رفاه کارگران و مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت هزینه اجرا در حق صندوق دولت بازداشت گردیده است به علت جابجائی مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده)روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی –رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد –۸۴۱۱ م الف

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

تأملی در «عکاسی ممکن نیست!»

سخن ملا هادی وعلت راستین انسداد تفکر در ایران

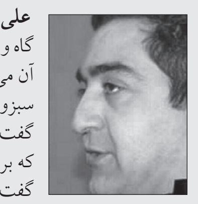

علی نجات غلامی –ماجرایی را در مقام جک گاه و بیگاه نقل می‌کنند که نتایج بسیاری هم از آن می‌گیرند. ماجرای اینکه رفتند از ملا هادی سبزواری از طرف شاه شهید عکس بگیرند که گفت عکس چیست؟ گفتند: «تصویر توست که بر صفحه کاغذ بماند یادگار» که سبزواری گفت: «این ممکن نیست، عرض شیء از خود شیء انفکاک‌ناپذیر است». خلاصه جر وبحثی کردند گفتند: «حالا بی خیال بیـا عکس‌ات را بگیر». این ماجرا را نه تنها برای خنده نقل می‌کنند بلکه به این نیت که ببینیدِ فلاسفه ما چقدر پرت بوده‌اند! اول بگذاریدِ ببینیم آیا این جمله واقعاً پرت است؟ کلیدی‌ترین کتاب که رسماً به فلسفه‌ی عکاسی و در واقع پدیدارشناسی و نشانه‌شناسی عکاسی می‌پردازد کتاب بارت است. تا بند دهم را با دقت بخوانید. چه می‌گوید؟ اگر خوب دقت کنید می‌بینید بحث عمدتاً حول این پرسش است که چگونه عکس من، خود من است؟ آیا عکس گسستی در اینهمانی نیست؟ بحث‌های بارت را اگر با دقت بنگرید می‌بینید روح مسئله – نه ضرورتاً پاسخ یا سیستم اصطلاح‌شناختی – همان مسئله‌ی سبزواری است یعنی انتولوژی عکاسی. چگونه عرضی یا خصیصه‌ای از خود چیز که گـذرا و آنی است می‌تواند جدای از خود آن وجود داشته باشد طوری که بی‌واسطه بگوییم این همان است؟ آیا واقعاً و بی‌واسطه این همان است؟ حال سبزواری بنا به دستگاه اصطلاح‌شناختی سنت کم و بیش ارسطویی خودش طرح مسئله کرده است. هوسرل در کتاب پژوهش‌های منطقی، از مهم‌ترین دستاوردهایش تمایز دو نوع «جـزء» در دل «کل» بود: ۱) «لحظه» یا جزء تفکیک ناپذیر (مانند آهنگ سـاز از خود سـاز) و ۲) «قطعه» یا جزء تفکیک‌پذیر (مانند سیم سازِ از خود ساز). حال ما با دستگاه ضبط صدا آهنگ سـاز را که «لحظه» است از آن جدا کرده‌ایم! یا با دوربین عکاسی تصویر مرا از من جدا کرده‌اند! آیا این بدین معناست که لحظه هم قطعه اسـت؟! یا نه یک «ترفندی» زده شده است و ما «گسستی» را ایجاد کرده‌ایم که در فاصله‌ی تفکیک‌شده‌ی بین لحظه و کل امکان انـواع مداخله‌ی حقیقت‌نما – اعم از ایدئولوژی و جهان‌بینی و دیگر صور دوکسا – در تفسیر و سوء‌تفسیر را در ازخودبیگانگیِ «لحظه‌ها» فراهم کنیم و به بحران «موثقیّت» در عصر تصویر جهان بَرسیم؟ به هر حال همه می‌دانیم بین موسیقی زنده و ضبط شده، «زیست‌جهانی» فاصله است. قطعاً ملا هادی فقط به گفتـن آن یک جمله که راوی چموش از آن جک ساخته است، بسنده نکرده است و توضیحاتی داده است که در ذهن الکن او نگنجیده است. اما این جمله «عکاسی ممکن نیست» چونان یک جک برایش جالب شده است که با آن ملاهادی سبزواری و کل سنت‌اش را خرفت جا بزند.

مسـئله این است که چطور جملاتی که خرق عادت و کتمان بداهت ابتدائی می‌کنند از فلاسفـه‌ی اروپایی اینقدر از سـوی همان کسانی خواستنی می‌شوند که به این جملات از سوی ملاهادی‌ها می‌خندند؟ مثلاً این جمله‌ی لاکان که «زن وجود ندارد» یا «خدا مرده است» نیچه. که وقتی می‌پرسـی «یعنی چه؟» طرف با غـرور تمام می‌گوید خب پیچیده اسـت تو نمی‌فهمی. اما جمله ملاهادی می‌شود جک و نشان حماقت. دقت شود که جمله ملاهادی یک جمله متافوریک و بی‌نظام نیست، این جمله نتیجه‌ی منطقی یک نظام فکری مشائی دو هزار سـاله است. یعنی می‌تواند «غلط» باشد، اما «مهمل» نیست. لذا اثبات غلط بودن‌اش نیازمند تأملی بر اساس نظامی مغایر است. اما جامعه‌ی مدرنیزاسـیونی – نه مدرن – ما، آن را «مهمل» می‌فهمد. جامعه‌ی ما که در «خط افق توریسـتی» مفتون «دسـتاوردهای» تکنیکی و فنی و پراتیک حیات مدرن شد نه «خاستگاه‌های» تئوریک آن – مانند دوربین عکاسـی نه خود عکاسی که بارت از امکان آن پرسش می‌کند – میل شدیدی به «لودگی» یافت و با طنازی و جک ساختن از پرسش‌های درونباش فلسفی طفره رفت. اگر نیک بنگرید خاستگاه تئوریک تفکر مدرن از همان دنیای یونانی اسـت که ملاهادی نیز از آن تغذیه شده است؛ حال ضعیف و قوی اینجا مسئله نیست. بنابراین، ما چون سنت را نفهمیدیم مدرن را نیز در «تصویری جعفرخانی» [اشاره ام به تصوری از انسان مدرن در فیلم جعفرخان از فرنگ برگشته‌ی زنده‌یاد علی حاتمی اسـت] فهم کردیم و لذا دفاع و ردمان بـر این تصویر جعفرخانی از مدرنیسم هردو مهمل بودند. ما به جای اینکه پرسش‌های فلسفی را به نحو مقتضی به‌روزرسانی کنیم، و در شاهراه جهانی تفلسف مشارکت کنیم، دچار گونه‌ای خود مجزاپنداری توهمی شـدیم که طی آن دو دسته ستایشگر و نکوهشـگر علیه هم در بیابان وهم صف کشیدند. مـا متافیزیک‌مان را بـه قول هگل از کف دادیـم و برای‌مان «آموزش تکنیکی رأس همه‌ی ضروریات» شـد. دوربین عکاسی و فیلم‌پرداری در دست گرفتیم و هرکسی هم که احیاناً از خود امکان عکاسی و سینما و غیره پرسش کرد را به تیغ استهزاء سپردیم و بعد برای اینکه وانمود کنیم فلسفه می‌دانیم به نحو بریده بریده‌ای جملاتی از فلاسفه‌ی اروپا – خاصه پاتوس‌ترین و مهیج‌ترین‌شان که خرق عادت می‌کنند بدون اینکه منطق‌شان را دریابیم – را نقل کردیم که نهایتاً روکشی موجه‌ساز بودند بر باورهای نهایتاً خام و تکنیزاسیونی و تکنسینیستی و اپراتوریستی‌مان.

نحوه‌ی مواجه با مسئله‌ی فلسفی ملاهادی در خصوص امکان عکاسی، نشان می‌دهد که چه راه غم‌باری جامعه‌ی ما در دور شدن از تفلسف پیمود. اگرچه آن عهد هنوز بودند کسانی که اهل تفکر بودند اما هرچه پیشتر آمدیم مینروای هگل که اگر خوب بنگریم همان چیزی است که تحت عنوان استیلای «تفکر تکنیکی» بر «تفکر نظری» در مقدمه علم منطق‌اش از آن یاد می‌کند بر ما سایه افکند.

موخره:

یـک بار در حالت رویا و توهم دیدم که ارتش اسـکندر وارد شـهر پرسپولیس شد و دستور داد که یک سازه‌ی بزرگ از ساروج و بدون منفذ را که می‌گفتند اصلی‌ترین دستاورد ایرانیان در آن است را با زور بگشایند و وقتی وارد شدند هیچ گنجی آنجا نبود بجز یک جغد فلزی به اندازه‌ی یک کف دسـت، کف سالن و روی یک سکو که خودش سرش را می‌چرخاند و خودش بال می‌زد. جغدی که وقتی وارد شدند سـرش را چرخاند و آرام در آنها خیره شـد. به ارسطو که همراهش بود گفت: «این چیسـت؟» ارسـطو گفت: «چیزی است کوچک که بزرگ‌ترین تمدن‌ها را از پای در می‌آورد».

وقتـی از آن حالت بیرون آمـدم با خودم گفتم این کاش بشـریت می‌فهمید که جغد مینروا یک «سایبورگ» است).

از اخلاقیات(Morality) تا اخلاق(Ethics) توضیح یک اشتباه

مهدی کریمی

یکی از بزرگ ترین بدفهمی های فلسفه ی نیچه خلط این دو ساحت اسـت. ما اگر تفاوتی که نیچه بین «خـوب» (good) و «بد» (bad) در سـاحت اخلاق (Ethics) با «خیر» (Good) و «شر» (Evil) در سـاحت اخلاقیات (Morality) وارد می کند نشـویم از دل نیچه هیولایـی به نام هیتلر را بیرون می آوریم. از دل این بدفهمی اسـت که سـوال پیش می آید، با تمام نقدی که نیچه به «اخلاقیات» دارد و هرگونه خیر و شـرّی را رد می کند و اساسا خود را اخلاقیات ناباور (Anti Immoralisten) مـی نامد و به اخلاقیات وقعی نمی نهد چگونـه تمایزی بین تبار والا و پسـت وارد می کنـد؟ آیا این تمایز بـه منزله نوعی اخلاقیات باور دگرگونه ای نیست؟ آیا نیچه در دام تناقضی نمی شود که کمر به نابودی آن بسته بود؟ تمام سوالات فوق که در ذهن اکثر خوانندگان آثار نیچه در ایران وجود دارد به دلیل عدم درک این دو ساحت متفاوت است. البته این اشتباه رایج فقط مختص خوانندگان ترجمه های نیچه نمی باشد؛ بلکه در ترجمه های برخی آثار او نیز به این تمایز دقتی نشـده اسـت. برای مثال در ترجمه ای که آقای داریوش آشـوری از کتاب «فراسوی نیک و بد» Beyond Good and Evil(در اصل طبق تمایزی که وارد کردیم «فراسـوی خیر و شـر») توجهی به این دو ساحت نشده است. ایضا این اشتباه در ترجمه ی آقـای جهانگیری از کتاب «اخلاق»(و طبق تعریف ما نه اخلاقیات) اسپینوزا نیز وجود دارد. مشکل نیچه با «اخلاقیات» در این است که «خیر» و «شر» همواره در نسبت به یک ذات کلی متعالی است که می خواهد هستی را قضاوت کند. اخلاقیات با ساختن سری اصول اخلاقی کلی می خواهد همگان را در برابر این ساحت یکسان فرض کند و نسبت به تفاوت ها بی اعتنا است. مهم نیست چه کسی باشید، بلکه همواره در برابر یک سری اصول اخلاقی کلی بدون قید زمان و مکانی خاصی قضاوت می شوید. «اخلاقیات» در واقع با جعل ذاتی کلی می خواهد چراغ راهی برای بالفعل کردن این ذات نشـان دهد. اگر می خواهی دختر خوبی باشـی، دین دار خوبی باشی، و... همگی ذاتی کلی را در نظر می گیرند و در نسبتی این سری اصول اخلاقی «خیر» و «شر» را می آفرینند. برای نیچه مانند اسپینوزا هستی همبسـته ی قدرت اسـت. قدرت برای نیچه به منزله ی ابژه ی اراده نمی باشـد، در حقیقت فرق است بین «خواستن قدرت» با «خواست قدرت». هر هسـتنده به واسـطه ی درجه ی کمـی ای از قدرت در تفاوت با دیگر هسـتنده ها اسـت. هرکس خود درجه ای از قدرت اسـت . قدرت به یک معنا ذاتی هسـتی می باشد. برای «اخلاقیات» ایـن موضوع قابل پذیرش نیسـت چرا که همگان را در نسبت به یک ذات کلی یکسـان می گیرد. ولی در هسـتی شناسی نیچه بنا به درجـه ای از قدرت، تفـاوت تکین و یکّه ای وجود دارد. خب پس «اخلاق» اینجا چه می کند؟ نیچه همچون اسپینوزا اتفاقا اخلاق باور به معنای خاصی بود. بنا به توضیحی که ژیل دلوز در تفسـیر نیچه ارائـه می دهد؛ نیچه بنا به تعریفی کـه از دو مفهوم «کنش گری» و «واکنـش گـری» دارد می تواند تمایز مفهومی تبار والا و پسـت را توضیح دهد. اگر هسـتی تکین هر چیز درجه ای از قدرت اسـت، پـس لذا درجه ای از امکان توان امور مختلف را نیز دارا می باشـد. کنش گری در واقع آری گویی به این تفاوت از قدرت در نسبت با دیگر هسـتنده هاست و نسـبت به آن درجه از قدرت تمام پتانسیل های خود را تا سرحد ممکن به عمل در می آورد. درست برعکس در واکنـش گری نیـرو از آنچه می تواند کرد جدا می افتد. این جدا افتادن نیرو از آنچه می تواند کرد در واقع نه گویی به سرشت هرگونه تفاوتی است (اول نه گویی به تفاوت خود و سپس نه گویی به دیگر تفـاوت ها). نیروهای واکنش گر مـی خواهند با رد این تمایز کمی متفاوت بین هسـتنده ها، همگی را ذیل یک امر کلی قرار دهند. این در حالی اسـت که نیروهای کنش گر با آری گویی به تفاوت خود، می توانند بیافرینند و این آفریدن همبسـته شادی و «لذت» است. بر همین اساس هرگونه کاری که در پی نفی این تفاوت ها چه در قالب دین، اصول اخلاقیاتی کلی، ناسیونالیسم، قوانین دولتی و... قرار گیرد از نیروهای واکنش گر مشـتق شده اسـت. «خوب» و «بد» اینجا در واقع در نسبت بین جدا افتادن یا نیفتادن از آنچه می توان کرد است که معنا می پذیرد. «خوب» و «بد» اینجا از دل یک هسـتی شناسـی است که بیرون می آید. آری گویی به تفاوت، آفریدن، بیرون کشیدن برترین فرم از هرچیز همگی به منزله ی کنش گر شدن و «خواست قدرت» در بالاترین سطح ممکن است. واژگونی ارزش ها برای نیچه در تبدیل «اخلاق» به «اخلاقیات» است که معنا می پذیرد.

کثرت ادیان

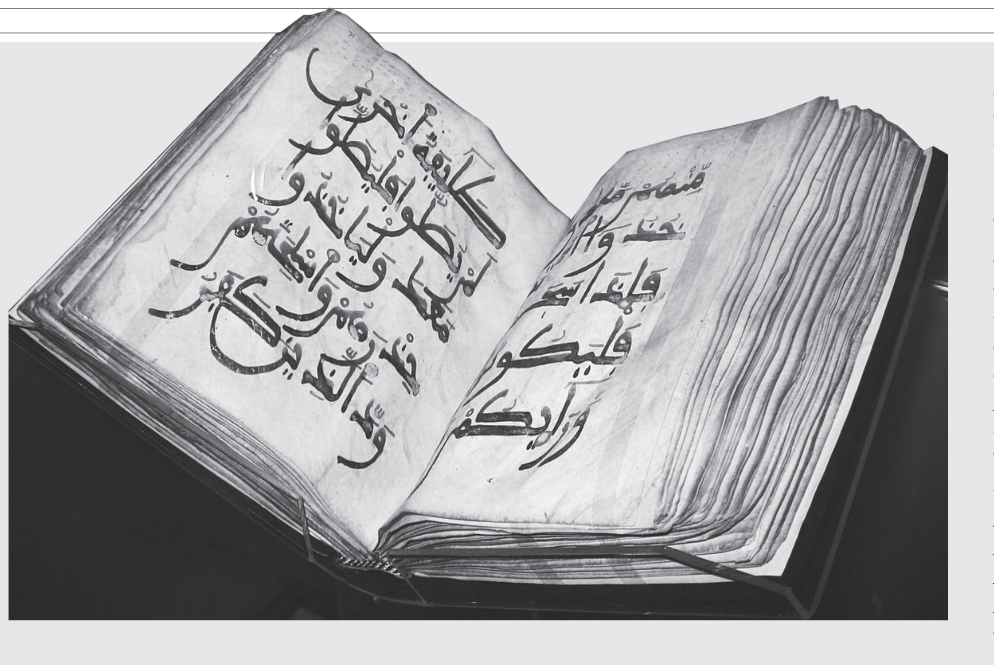

زشت ترین شکل گریز از مسئله‌ی تاثیر عوامل اجتماعی و اخلاقی بر ذهن انسان، این است که تفـاوت های رفتاری و شـخصیتی را به تفاوت های سرشتی و ذاتی نسبت دهیم.

جان‌استوارت‌میل

احسان پروین –هنگامی که بامسئله کثرت ادیان مواجه هستیم نکاتی در «طرح مسئله» به‌چشم می‌خورد. دیدگاه استوارت میل رامی‌توان درحوزه‌ی دین نیز تعمیم داد. به طورکلی فروکاهیدن مولفه هابه سطحی بسیارساده‌وتروسطحی‌تربرای دسته‌بندی وروشن نمودن حدودوثغور،نادیده‌انگاشتن هدفِ چنین کاری وایجادتاثیری بیش ازاندازه برای ابزارهاوروش‌های طرح مسـئله اسـت.طبقه بندی های معمول و متداولی در کتب مربوط به مسـئله کثرت ادیان قابل مشاهده است که بنظر می‌رسـد با توجه به پیچیدگی‌های پدیده مورد بررسـی همراه با نوعی گزافه‌گویی از جنس یکسان‌سازی باشد. آنچه در نگاه اول متوجه می‌شویم اتکای چنین دسته‌بندی‌هایی به نحوه‌ی کنش دینداران به طور کلی است. با توجه به چنین اتکایی چگونه میتوان حالت ایستا و پایدار دسته‌بندی‌ها را در ساحت فلسفه دین در قیاس با پویایی موجود در رفتار و کنش دینداران در سـطح کلان توجیه نمود؟ االبته نباید به سـهمی از دسته‌بندی‌های موجود در مسئله کثرت ادیان که ناظر به «دین فی نفسه» هستند بی توجه بود اما چگونه میتوان مرزی قاطع میان نحوه ی کنش دینداران و دین فی‌نفسه ترسیم نمود؟ عده ای با مدعای دسترسی به دین فی‌نفسه در منظومه کثرت ادیان، ایستایی موجود در دسته بندی های ناظرَ بر کثرت ادیان را توجیه می‌کنند. اما در اَرتباط با آن جنبه از موضوع که بر نحوه‌ی کنش و چگونگی فهم دینداران از مسئله کثرت ادیان متکی است چه می‌توان گفت؟ به لحاظ نظری مرز میان توجه به «پویایی کنش و فهم دینداران» و«بهره گیری از دسته بندی های مسئله کثرت ادیان در جهت ایضاح هر چه بیشتر» کجاست؟

به عنوان مثال دانشجویان خودتان را در نظر بگیرید. تمامی آنها خود را متدینین به دینی واحد می‌دانند. اما آیا نحوه ی کنش آنها با یکدیگر و فهم آنها از دین آنچنان یکدست هست که در مواجهه با دیندارانی دیگر بتوانند در یک دسته جای گیرند؟ حتی از افرادی که در این مسئله چشم به دین فی نفسه دوخته‌اند می توان پرسید آیا مولفه‌هایی که اعضای این کلاس در آنها یکدست پنداشته می‌شوند، مولفه‌هایی ناظر به گوهر دین است یا خیر؟ در ابتدای یادداشت تلویحا اشاره شد که به زعم بندهیکدست پنداشته شدن فهم و کنش و یا بطور کلی ارتباط افراد(دانشجویان کلاس) در قیاس با تفاوتهای پویایی که هر یک از آنها دارند، سـاده و سـطحی پرداختن به مسئله قلمداد می‌شود.

پیش از آنکه در ادامه به طبقه‌بندی‌های مرسوم بپردازیم لازم است نکته‌ای را در ارتباط با ساختارِ نظریه پردازی بیان کنم. با دقت به نظریات مطرح در حوزه اندیشه متوجه می‌شوم هر یک از افراد از برهه‌ای از اندیشه، به نکته‌ای از متن بیش از اندازه تاکید داشـته‌اند. اگر نخواهیم با استفاده از واژه ی برجسته‌سازی ، به علت کاربرد متفاوتی که در نقد ادبی دارد دچار اشتباه شویم، می‌توان از واژه ی برافراشتن استفاده کرد. بر–افراشته شدن نکته ای از متن که مستعد مکشوف شدن هر چه بیشتر و مولدی در ساحت اندیشه باشد. بالا بردن مفاهیمی بهم‌بسته و افراشتنِ آن. به گونه ای کـه در معرض دید و در واقع توجه قرار گیرد. از سـویِ دیگر البته خود نکته نیز باید مستعد جلب توجه باشد. توجه به همین نکته و نقش تاثیرگذار انگشت تاکید در ایجادِ نظریه البته همراه با بیش از اندازه پرداخته شدن نیز است. َاستفاده از واژه‌ی گزافه‌گویی برای این کارکرد می‌تواند گمراه کننده باشد از این رو که کاربرد متداول معنایی آن همراه با بی–هوده گویی عجین شده است. اما اگر نقش واژه گزافه–گویی را در چارچوب «بیش از اندازه تاکید نمودن بر نکته‌ای جهت بر–افراشـتن آن» در نظر بگیریم، بیش از پیش به منظوری که قصد بیان آن را دارم نزدیک شده‌اید. عوامل بسیاری در ایجاد چنین وضعیتی دخیل هستند. یکی از مهمترین ایـن مولفه‌ها را می‌تـوان در اراده‌ی نظریه‌پرداز در «انتخاب» نکته مورد بحث یافت. اراده‌ای که در بستر و زمینه‌ای متشکل از ترکیب‌های فرهنگی ، اجتماعی، تاریخی و.. به توانایی انتخاب نمودن دست یافته است. بهره گیری از موقعیتی اثرپذیر و منفعلاَنه برای شکل دادن به موقعیتی فعالانه و تصمیم‌گیر. پرداختن به هر یک از جزئیاتِ طرحی که از ساختار نظریه پردازی در حال ارائه است، ممکن است ما را از نیت اصلی این یادداشت دور کند. خصلتی طبیعی از شـبکه های مفهومی. پس با بازگویی چند واژه به محور ابتدایی متن باز خواهیم گشـت. بر–افراشته شدن گوشه ایی از متنی بزرگتر به دلیل ترفیع آن و در پیش چشم قرار دادن و جلب توجه دیگران به آن. لزوم تاکید بیش از حد مَعمول بر آن و ایجاد حالتیَ از گزافه گویی در معنایی غیرمرسوم. می‌توانید تمامی این پاراگراف را نیز یک تاکید به شـمار آورید، هرچند در نظریه دانستن آن ، تردید بیش از اطمینان مشاهده‌می‌شود.

در طبقه‌بندی‌های مرسوم در مسئله کثرت ادیان نوعی تاکید بیش از اندازه در ساده‌سـازی گروههای متفاوت در صحنه رخ داده است. با توجه به پاراگراف پیشین نمی‌توان چنین خصیصه‌ایی را ایراد تلقی نمود. تنها به همین دلیل است که من نیز با انگشت تاکید نهادن بر تفاوتهای موجود در میان شـاگردان کلاس شـما، سعی در بر–افراشـتن نکته ای از متن کثرت ادیان هستم که می‌َتواند با انکشاف و ایضاح هر چه بیشترِ «طرحِ مسئله» همراه باشد. بعلاوه بنظر میرسد افق چنین بر–افراشتنی همراه باَ پرسش‌هایی برای این مسئله خواهد بود.

بیایید با تاکید بر تفاوتهای معرفت‌شناختی هر یک از افراد از دین، کلاس را مجمعی از افرادی در نظر بگیریم که سـعی در پرداختن به تفاوتهای یکدیگر دارند. آیاتفاوتهای آنهاتنهامحدودبه‌برداشتهای‌متفاوتشان ازدین می‌شود؟ اگر آنها در مولفه هایی دیگر نیز تفاوتهایی را احساس می‌کنند چگونه با آن مواجهه دارند؟ واکنش آنها نسـبت به تفاوتهای دیگرشان چگونه است؟ هنگامیکه در حال ایراد چنین سوالاتی قرار داریم، می‌توان نقد کرد که سـاختار تفاوتها می‌تواند با یکدیگر تفاوت داشته باشد به حدی که نتوان با استفاده از تجربیات یک حوزه، راه حلی را در حوزه ی دیگر شبیه سازی نمود. اما هرکسی که چنین نقدی را دارد، باید توضیحی درباره چگونگی تفاوتهای ساختاری نیز بهمراه داشته باشد. بعنوان کسی که قایل به امکان استفاده از تجربیات موجود در زمینه تفاوتهای یک حوزه (همچون تفاوتهای سنی یا جنسیتی یا فرهنگی) در مسئلهکثرت ادیان هستم، به ارجاع تقسیم‌بندی‌های موجود در مسئله کثرت ادیان به واکنش ها و رفتارهای انسانی متکی هستم. کافیست دسته‌بندی‌های مرسوم را نام ببریم تاموضوع روشن‌تر شود. نسبی گرایی، انحصارگرایی، شمول‌گرایی، گوهرگرایی، کثرت گرایی و... . روابطی که می‌توان در نگاهی دیگر در عباراتی همچون تعارض، تقابل، استقلال، مکمل و... فهمیده شوند. به‌نظر میرسـد بازی زبانی تاحدودی مشترکی میان حوزه های متفاوت کثرت در حال استفاده است. اشتراک کاربردهای واژگان میان حوزه‌های متعدد کثرت به آن اندازه مشهود است که بتوان برای طرح مسئله کثرت ادیان از آنها استفاده نمود. واژگانی همچون تعارض بیش از آنکه ادیان را در ارتباط‌های متفاوتی با یکدیگر به ذهن متبادر کند، ارتباط میان متدینان را یادآوری می‌کند. آیا راهی وجود دارد که خود را از مسئله کثرت ادیان کنار نهاد و به رفتار ادیان بپردازیم؟

کدام فرد به مثابه کدام دین؟ کدام جامعه به مثابه کدام مجمع کثرتِ ادیان؟ معیار رابطه‌ی سـازنده و متعالی در این قیاس چه خواهدَ بود؟ دَر میان چنین سوالاتی که امکانِ طرح آنها پیش کشیده شده است، باید به نکته‌ای دیگر نیز پرداخت. امکانَ درنظر گرفتن چند مجمع متفاوت از کثرت ادیان وجود دارد. بنا بر این تمَثیل که با کلاسـها و جوامع بسیاری نیز مواجه هستیم. آیا می‌توان مجامعی از ادیان را در نظر گرفت که به لحاظ ارتباط بین یکدیگر، به هر یک از دسته‌بندی‌های موجود در مسئله کثرت ادیان تعلق داشـته باشند؟ چه ضابطه‌ای می‌توان طرح نمود تا تفاوتهای دین الـف را به ترتیب در ارتباط با دیـن ب و دین ج توضیح دهد تا بدین ترتیب انعطاف در دسته‌بندی‌های مسئله کثرت ادیان را برای دینی واحد سنجید؟ آیا ساختار ادیان در ارتباط با یکدیگر می‌توانند انعطاف رفتارهای درونِ جوامع را داشته باشد؟ در حوزه‌هایی اجتماعی یا فرهنگیَ مشاهده می‌شود که فرد یا یک جامعه در ارتباط با افراد یا جوامع دیگر برحسب زمینه و موقعیت، رفتاری متناسب را «برمی‌گزیند». آیا ساختار دین، حتی از منظری معرفت‌شـناختی این امـکان را _این حد از انعطاف و امکانَ گزینش برای فرد_ درون خود دارد؟ به نظر می‌رسـد عموم پاسخ‌هایَ مثبت رویکردی تجربی و تاریخی و عموم پاسـخ‌های منفی رویکردی دگماتیک و ذات‌گرایانه داشته باشند. آنچه هر دو گروه از پاسخ‌ها را به بر می گیرد_که البته انشعابات بسیاری برخلاف ظاهر ساده‌شدهٔ آنها در میان است_ توجه به جنبه‌ی رفتاریِ دین با بر–افراشتن آن است.

یادداشت

ماکس وبر حقوق دان

MAX WEBER
Wirtschaftsgeschichte
Duncker & Humblot · Berlin

محمـد ایمانـی –«تاریخ اقتصاد» همچون بسیاری دیگر از آثار ماکس وبر، از مجموعه Nachlass ماکس وبر است. یعنی آثاری که بعد از مرگ ماکس وبر بویژه توسط وینکلمان و با همکاری ماریانه وبر انتشار یافت. اهمیت تاریخ اقتصاد در این اسـت که وبر با بررسی تاریخ حقوقی شـکل گیری دولت مدرن، در توضیح شکل گیری سرمایه داری مدرن، در مسیر تحقیق لاجرم به ریشه های رومی تمدن جدید غربی توجه پیدا می کند. توجه به ریشه های رومی تمدن مدرن غرب، از این جهت قابل توجه اسـت که از طرفـی وجه تقریبا مغفول بسـیاری از تحقیقاتی که اروپایی ها درباره ریشه های عصر جدید انجام داده اند، بیشـتر مورد توجه قرار می گیرد، و از طرفی دیگر تز اصلی ای کـه ماکس وبر به اقتفای بنجامین فرانکلین و بویژه در جریان سفرش به آمریکا، نخست در مقاله ای کوتاه و سپس در دو مقاله مفصل در سال ۱۹۰۴ و بهار ۱۹۰۵ در آرشیو علوم اجتماعی و سیاست اجتماعی، جلد ۲۰ و ۲۱ منتشر کرد، و بعدها دو مقاله□ مفصل، به صورت یک کتاب در سال ۱۹۲۰ با عنوان «اخلاق پروتسـتان و روح سـرمایه داری» منتشر شدند، به چالش می طلبد. این چالش بویژه از این جهت قابل اهمیت است، کـه اولا ما را متوجه پیچیدگی‌های تحقیق و مطالعـه تمدن اروپایی می کند، و ثانیا، چهره یک ماکس وبر جدید را برای ما آشنا می کند : ماکس وبر حقوق دان. برعکس آنچه معمول اسـت و بواسـطه یکی دو فصل از کتابهای ماکس وبر او را جامعه شناس (فصل مفاهیم اساسـی جامعه شناسـی و فصل انواع کنش اجتماعی در اقتصاد و جامعه) ، مورخ (رساله استادی او تحت عنوان تاریخ کشاورزی روم و معنای آن برای حقوق خصوصی و عمومی که البته رساله ای در علم حقوق است)، دانشمند علوم سیاسی (رساله سیاست به مثابه شغل و چند نوشته سیاسی دیگر) و فیلسوف و روش شناس (بواسطه مقالات روش شناسانه ای که با اقتفا به نوکانتی ها و مکتب اقتصادی اتریش نوشته بود) دانسته اند، ماکس وبر تحصیلات خود را در رشـته حقوق انجام داد و در همان رشـته دکترا گرفت و رساله اسـتادی اش را نوشت و استاد شد. به عنوان مثال کارل اشمیت، در رشـته حقوق، شـاگرد او بود. ماکس وبر هیچگاه نه جامعه شناسی خواند، نه استاد جامعه شناسی بود. او یک دانشمند حقوق بود، که البته با گفتارهای نظری معاصرش نیز درگیر شد، و در عین حال، پرسشـهایی داشت که اصلی تریـن آنها از دل مطالعات او در تاریخ حقوق و موارد مرتبط به تاریخ حقوق، همچون تاریخ اقتصادی و تاریخ سیاسی، بیرون آمدند. ماکس وبر یک حقوق دان است که چهره حقوق دان او برای ما ناشناخته است چون همواره در تقلید از غربی ها (بویژه آمریکایی ها) جامعه شناس دانسته ایم و همواره با چنین برچسبی سـراغ مطالعه او رفته ایم (اگر رفته باشیم!). در صورتی که به زعم من کسانی مثل وبر، از گفتارهای نظری معاصر خود همچون جامعه شناسی و اقتصاد، تنها برای نزدیک تر شدن به پاسخ مسائلشان و ترسیم ابعاد آن، استفاده کـرده اند. به همین دلیل معتقدم با کمابیش ماکس وبر را نمی شناسیم.

معرفی کتاب

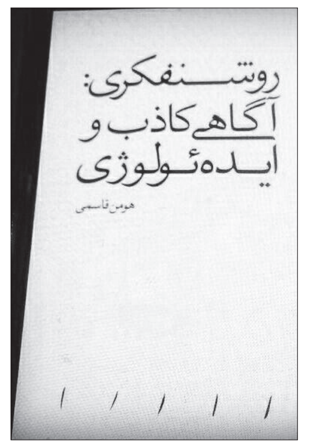

کتاب«روشنفکری:آگاهی کاذب و ایده‌ئولوژی» نوشته هومن قاسمی رساله‌ای است که کوشیده است با تکیه بر رئوس «تأمّل» جواد طباطبایی «دربارهٔ ایران»، به بهانهٔ نقد آراء روشـنفکران اثرگذاری چون داریوش شایگان، رضا داوری و آرامش دوستدار، راهی به طرح دو مفهوم «آگاهی کاذب» و «ایده‌ئولوژی» بگشاید و به مثابهٔ مدخلی بر تاریخ‌نویسی اندیشه و اندیشیدن در ایران، نشان دهد این دو مفهوم تار و پود روشنفکری در ایران را تشکیل میدهند، و از این رو، راه دفاع از علم و نهادهای علمی در ایران، جهادی برای خروج از شیوهٔ اندیشیدن روشنفکرانه است

www.golshanemehr.ir